

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

زیبایی شناسی رمان جای خالی سلوچ

مؤلفان:

عزت اله محمودی

فاطمه پاباغی

زیبا اسماعیلی



انتشارات سکر

سرشناسه

: محمودی، عزت الله، ۱۳۵۴-

عنوان و نام پدیدآور

: زیبایی شناسی رمان جای خالی سلوچ،

مشخصات نشر

: همدان: انتشارات سکر، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری

: ۱۷۰ ص.

شابک

: 978-600-7538-15-9

وضعیت فهرست نویسی

: فپای مختصر

یادداشت

: فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی <http://opac.nlai.ir>: قابل دسترسی است

شناسه افزوده

: پاباغي، فاطمه، ۱۳۵۸

شناسه افزوده

: اسماعیلی، زیبا، ۱۳۶۳

شماره کتابشناسی ملی

۳۸۳/۵۷۴

زیبایی شناسی رمان جای خالی سلوچ

مؤلفان:

عزت اله محمودی

فاطمه پاباغي

زیبا اسماعیلی

ویراستار: دکتر ناصر کاظم خانلو

ناشر: انتشارات سکر



انتشارات سکر

چاپ و صحافی: سرافراز

نوبت چاپ: اول

تاریخ انتشار: ۱۳۹۴

شابک: 978-600-7538-15-9

تیراژ: ۱۰۰۰

بها: ۹۵۰۰۰ ریال

«تمامی حقوق برای ناشر و مؤلفان محفوظ است»

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	۷
خلاصه‌ی، مان جای خالی سلوچ.....	۹
فصل اول: بیان	
مجاز	۱۳
- علاقه‌ی مجاز	۱۴
- ذکر کل و اراده‌ی جزء	۱۴
- ذکر جزء و اراده‌ی کل	۱۴
ذکر محل و اراده‌ی حال یا ظرف و سرف	۱۷
- علاقه‌ی لازمیت و ملزومیت	۱۹
- علاقه‌ی آلیت	۲۰
- علاقه‌ی سببیت (ذکر سبب و اراده‌ی مسبب)	۲۱
- تشبیه	۲۲
- تشبیه به اعتبار ذکر یا عدم ذکر وجه شبه و ادات تشبیه	۲۲
- تشبیه مفصل	۲۲
تشبیه مجمل	۲۷
- تشبیه مرسل	۲۹
- تشبیه مؤکد	۳۲
- تشبیه بلیغ	۳۴
- تشبیه به اعتبار حسی و عقلی بودن مشبه و مشبه‌به	۳۵
- هر دو طرف تشبیه حسی	۳۶
مشبه عقلی، مشبه‌به حسی	۴۰

- ۴۱ مشبه حسی، مشبّه به عقلی
- ۴۲ - هر دو طرف تشبیه عقلی
- ۴۲ - تشبیه وهمی
- ۴۳ - تشبیه خیالی
- ۴۳ - تشبیه به اعتبار مفرد و مقید و مرکب بودن
- ۴۳ - تشبیه مفرد به مفرد
- ۴۵ - تشبیه مقید به مفرد
- ۴۶ تشبیه مفرد به مقید
- ۴۸ تشبیه مقید به مقید
- ۵۰ تشبیه مفرد به مرکب
- ۵۱ تشبیه مرکب به مرکب
- ۵۲ - استعاره
- ۵۳ استعاره‌ی مصرّحه
- ۵۳ استعاره‌ی مصرّحه‌ی مجرده
- ۵۶ - استعاره‌ی مصرّحه‌ی مطلقه
- ۵۹ - استعاره‌ی مصرّحه‌ی مرشّحه
- ۶۱ - استعاره‌ی مکنیه یا بالکنایه
- ۶۱ - استعاره‌ی کنایی در هیأت انسان (تشخیص)
- ۶۱ اضافی
- ۷۲ غیراضافی
- ۸۵ استعاره‌ی کنایی در هیأت حیوان (جانورگونی)
- ۹۴ استعاره‌ی کنایی در هیأت جماد
- ۱۰۵ استعاره‌ی کنایی در لباس نبات (گیاه‌گونی)
- ۱۰۸ کنایه
- ۱۰۹ - انواع کنایه به لحاظ مکنیّ‌عنه
- ۱۰۹ - کنایه از فعل یا مصدر
- ۱۲۷ - کنایه از صفت
- ۱۳۰ کنایه از موصوف

فصل دوم: بدیع

۱۳۳.....	تسجیع
۱۳۴.....	سجع متوازی
۱۳۶.....	سجع متوازن
۱۳۷.....	سجع مطاف
۱۳۹.....	جناس
۱۳۹.....	جناس تام
۱۴۰.....	جناس ناقص
۱۴۰.....	جناس مضارع و لاحق
۱۴۰.....	اختلاف در حرف اول
۱۴۱.....	اختلاف در حرف وسط
۱۴۱.....	جناس مذیل
۱۴۲.....	جناس مطرف
۱۴۳.....	جناس قلب یا مقلوب
۱۴۳.....	جناس خط یا تصحیف
۱۴۳.....	جناس اشتقاق
۱۴۴.....	جناس زاید
۱۴۴.....	روش تناسب
۱۴۵.....	مراعات نظیر
۱۴۶.....	تضاد
۱۵۰.....	متناقض نما یا پارادوکس
۱۵۰.....	تکرار
۱۵۱.....	تکرار حرف در چند واژه
۱۵۲.....	تکرار حرف در دو واژه‌ی پشت سر هم
۱۵۴.....	تکرار اسم یا صفت یا قید(واژه)

۱۵۶.....	تکرار فعل.....
۱۵۷.....	تکرار فعل با صیغه‌های متفاوت
۱۵۸.....	تکرار جمله
۱۵۸.....	تکرار حروف اضافه
۱۵۹.....	طرد و عکس یا تبدیل و عکس

فصل سوم : بحثی در لغات و اصطلاحات رمان

۱۶۳.....	- استفاده از لغات خاص.....
۱۶۳.....	- لغات گویش و ملی منطقه‌ی سبزوار
۱۶۴.....	- اصطلاحات مربوط به شاولی و دامپروری
۱۶۴.....	- کلمات توهین‌آمیز
۱۶۴.....	- لغات کهن
۱۶۵.....	استفاده از فعل‌های پیشوندی کهن
۱۶۷.....	توصیف و تصاویر شاعرانه.....
۱۶۹.....	نتیجه‌گیری
۱۷۰.....	منابع

«محمود دولت‌آبادی نویسنده‌ی معاصر ایرانی در سال ۱۳۱۹ در روستای دولت‌آباد سبزوار از مادری به نام فاطمه و پدری به نام عبدالرسول دیده به جهان گشود. دوران کودکی و نوجوانی او در ده زادگاهش گذشت و همه‌ی تجربه‌های زندگی در روستا اعم از فقر و ناداری، کارگری، دامداری و کار کشاورزی را پشت سر گذاشت» (یاحق، ۱۳۷۴، ص ۲۸۱).

«از همان اوایل کودکی حس سفر و ماجراجویی در دولت‌آبادی بیدار بود. او گفته بود؛ که آرزویش این است که اسب و شمشیری داشته باشد، تا بتواند سر به کوه و بیابان بگذارد و راهی صحراهای دوردست شود. وی تحصیلات ابتدایی را در دگاس، دولت‌آباد سبزوار گذراند. از همان دوران کودکی، با کتاب‌های نظیر امیرالسلطان، شاهنامه فردوسی، که به وسیله‌ی نقالان و دوره‌گردان روستا حکایت می‌شد، آشنا شد» (حسین زاده، ۱۳۸۲، ص ۱۵).

کودکی وی دو زبان داشت: خانواده و کار، مدرسه و کار، علاقه‌ی او به درس و مطالعه زیاد بود، حتی در یکسال، سوگاس می‌خواند و یک‌بار هم در سال سوم تشویق شده بود، مدیر او را روی دست‌هایش بلند کرد. بعدها برایش دست زدند. پدرش کشاورز و مادرش خانه‌دار و بی‌سواد بود. آنها در روستایی با ۱۱۰ خانوار جمعیت، از راه کار بر زمین سخت کویر، زندگی می‌کردند. دولت‌آبادی خواندن و نوشتن منظور خواندن و نوشتن زبان فارسی است؛ زبان فارسی را قبل از این‌که پدرش وی را به مدرسه ببرد، یاد گرفته بود (ر.ک. چهلتن، فریاد، ۱۳۷۳، ص ۱۸۸). محمود دولت‌آبادی در سیزده سالگی، روستای خود را ترک کرد و در شهرهای سبزه‌وار و مشهد و سرانجام، تهران، مشغول به کار شد. او در این مدت با پرداختن به کارهایی چون آرایشگری، کنترل بلیط سینما و جمع‌آوری نهی برای یک روزنامه امرار معاش می‌کرد. در کنار این کارها، به مدرسه نیز می‌رفت. اکثر شب‌ها را در خیابان به صبح می‌رساند، در اوقات فراغت، کتاب‌هایی را که به دستش می‌رسید، با ولع تمام می‌خواند. او بدون آنکه دیپلم داشته باشد، در آکادمی تئاتر پذیرفته شد (ر.ک. شیرمحمدی، ۱۳۸۰، ص ۴۱۵).

در تهران با داستان‌های کوتاه معاصر آشنا شد سپس به مشهد رفت و در آنجا به نمایش‌های خیمه‌شب‌بازی که در روزهای جمعه در کوه‌سنگ برگزار می‌شد، علاقمند شد پس از مدتی به تهران بازگشت و به خواندن رمان‌های پلیسی گرایش پیدا کرد (ر.ک. چهلتن، فریاد، ۱۳۷۳، ص ۱۸۸).

آتش سودا عقیده دارد که دولت‌آبادی در روایت زندگی آدم‌های آثارش، دانای کل است که از درون و برون آدم‌های داستان آگاهی کامل دارد و هنگام ورود آن‌ها به داستان، شرح کاملی از ظاهر جسمی و تاریخی شخصی‌شان به دست می‌دهد، وی کمتر داستانی را از زاویه دید اول شخص روایت کرده است. همه‌ی داستان‌های دولت‌آبادی به جز یک داستان، از دیدگاه سوم شخص روایت شده‌اند. گرچه او یک روستایی است، اما در نوشتن فقط توصیف‌گر زندگی مردم روستا، با فقر و نداری‌ها و عقب‌ماندگی‌هایشان است. ادبیات روستایی را به اوج شکوفایی رسانده است و تصویری هنرمندانه از روستاییان ایرانی، با رویکردی تازه به مسایل روستایی، به وجود آورده است. ظهور ادبیات روستایی تا حد زیادی متأثر از دولت‌آبادی و آثار اوست (ر.ک. آتش سودا، ۱۳۸۸، ص ۴۱-۴۴۲).

محمود دولت‌آبادی - کارنامه - درختانی دارد. آثار او عبارتند از:

الف) داستان، رمان.

کارنامه سینچ (مجموعه داستان) شامل ته شب، ادبار، بند، پای گلدسته‌ی امامزاده شعیب، هجرت سلیمان، سایه‌های خسته، دایره سفر، اوسنه‌ی باباسبحان، با شبیرو، گاوآره‌بان، مرد، عقیل عقیل، از خم چمبر و دیدار بلوچ

جای خالی سلوچ

کلیدر، رمان ده جلدی، نگارش یافته بین سال‌های ۱۳۴۸ تا فروردین ۱۳۶۲

روزگار سپری شده مردم سالخورده؛ شامل سه کتاب آتیم، باد، برزخ خس و پایان جغد.

سلوک

روز و شب یوسف

آن مادیان سرخ یال

ب) داستان‌ها برای کودکان و نوجوانان:

ببر جوان و انسان پیر

آهوی بخت من گزل

ج) نمایشنامه:

ققنوس

خانه‌ی آخر

زندگی کوچک

گل آتشین

د) فیلم‌نامه:

اتوبوس

سریداران

هیولا

ه) مقاله‌ها، مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها:

ما نیز مردمی هستیم (مصاحبه با امیر حسین چهلتن و فریدون فریاد، شامل سه سر فصل: تا سلوچ، شما و دیگران، کلیدر)

رد، گفت و گوزار سپنج (مقاله، نقدها، گفت و شنودها و سخنرانی‌ها)

قطار، محل اندیش. (مجموعه مقالات، مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها)

و) گمشدگان (آثار مفقود شده):

درخت (نمایشنامه)

پایینی‌ها

شب سوگوار گیلیارد

خلاصه‌ی رمان جای خالی سلوچ

«جای خالی سلوچ، روایت دردمندانه‌ی سیرتبه‌شدن یک خانواده‌ی روستایی در ارتباط با زمین است. این داستان، حکایت تنازع بقا و کشاکش انسان‌هایی است که در گیرودار با یکدیگر و جزر و مدهای زمانه گرفتار شده‌اند. گره داستان، با محور شخصیت مرکزی (اما غایب) سلوچ، همسر مرگان شکل می‌گیرد» (شهرپراد، ۱۳۸۲، ص ۱۱۷). عزیمت ناگهانی و پیش‌بینی نشده‌ی سلوچ به مرگان اجازه می‌دهد تا به نحوی چشمگیر به سیطری داستان گام بگذارد و نه تنها او، بلکه تمامی شخصیت‌های داستان در ارتباط با کوچ سلوچ از خرد و کنش نشان دهند. آشفته‌گی ناشی از هجرت سلوچ، خانه را بیش از پیش با خطراتی که از چندی پیش محیط خانواده را تهدید می‌کرد، روبه‌رو می‌کند. این خطرات از هنگامی بر خانواده‌ی سلوچ سایه انداخت که مرد خانه، بیکار ماند و با مشاهده‌ی فقر، ناچار شد تا دست یاری به سوی دیگران دراز کند. اهالی روستا نیز با هجوم آوردن به خانه‌ی مرگان و تحت فشار قرار دادن او و فرزندان، عباس و ابرو و هاجر، به کسب منافع خود می‌اندیشیدند. بدین ترتیب مرگان، به عنوان زنی تنها و بی‌یاور، مسئول بر آوردن نیازهای مادی و عاطفی خانواده می‌شود و در طول داستان، مورد سوءاستفاده‌ی دیگر مردان ده قرار می‌گیرد. دشمنی دو برادر، عباس و ابرو و

بی‌توجهی به کودکی بر باد رفته‌ی هاجر (کوچکترین فرزند مرگان)، اساس خانواده را تهدید می‌کند. هر یک از اعضای خانواده برای بقای زندگی خود- و نه خانواده- می‌کوشد تا بتواند تنها لقمه نانی برای پایان روز تهیه کند. حوادث داستان یکی پس از دیگری اتفاق می‌افتد. فروختن زمین‌های روستا و کوچ به شهرها، بیکاری و نداری، درگیری عباس با شتر بهارمست و دیوانه شدن او، وضع نامناسب، مناسبات زناشویی و در نهایت هتک حرمت مرگان به دست سردار (از اهالی روستا)، مهمترین حوادث داستان هستند که عمل داستانی را به نقطه‌ی اوج می‌کشانند و در نهایت داستان با فرودی دلنشین و نمادین به پایان می‌رسد. فقر و بی‌عدالتی، تجاوز به حقوق زنان، فریب روستاییان با طرحی به نام اصلاحات ارضی در زیر پوششی تبلیغاتی، از جمله مضمون‌های اصلی این رمان به شمار می‌آیند.

www.ketab.ir